

تکیه‌گاه حضرت زهرا(س) در خطبه فدکیه / ماجرای عقبگرد امت اسلامی

خطبه فدکیه «ام‌اینها» حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها مملو از معارف اسلامی است؛ اما در این خطبه رکنی از اسلام جایگاه خاصی در اثبات حقایق و رفع شبهات منسوب به پیامبر گرامی اسلام(ص) دارد که دختر عزیز پیامبر به خوبی از آن بهره برده است.



خطبه فدکیه «ام‌اینها» حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها مملو از معارف اسلامی است؛ اما در این خطبه رکنی از اسلام جایگاه خاصی در اثبات حقایق و رفع شبهات منسوب به پیامبر گرامی اسلام(ص) دارد که دختر عزیز پیامبر به خوبی از آن بهره برده است.

خبرگزاری فارس-گروه فعالیت‌های قرآنی: فاطمه زهرا (س) پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) یادگار عزیز ایشان در میان امت بود با این حال عده‌ای دست به غصب ارثیه ایشان از پدر بزرگوارش که همان باغ معروف «فدک» بود زدند؛ همان‌هایی که با تشکیل ثقیفه بنی‌ساعده حق بزرگ الهی همسرش علی(ع) یعنی وصایت و ولایت بعد از پیامبر اکرم (ص) را نیز نادیده گرفتند.

این بزرگ بانوی جهان هستی پس از اطلاع از تصمیم این عده برای غصب فدک به همراه چند نفر از زنان و خدمتکاران به مسجد رفتند و به ایراد خطبه‌ای که معروف به خطبه «فدکیه» شده است پرداختند که در واقع دریای عظیم و وسیعی از حقایق الهی است که با معارف توحیدی آغاز می‌شود و پس از آن با اشاره به تاریکی‌های جهل در میان مردم به نقش نبوت پیامبر اکرم(ص) در زدودن این جهالت‌ها پرداخته و پس از آن به دوران پس از رحلت آن حبیب خداوند می‌رسد که موضوع این گزارش را تشکیل خواهد داد.

کسانی که مورد غبطه‌اند و گوش دادنی که نجات‌بخش است

اولین اشاره بانوی بزرگ جهان هستی حضرت فاطمه زهراء (س) در این بخش از خطبه خود به قرآن کریم است که پس از آن نیز آیات کتاب خداوند، محور استدلال‌های حضرت در مورد مسائل مختلف قرار می‌گیرد که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

اما عباراتی که حضرت درباره قرآن کریم به کار می‌برند اینچنین است؛

رَّعِیمٌ حَقٌّ لَهُ فِیْكُمْ؛ زمامدار حق در میان شما

وَ عَهْدٍ قَدَمَهُ إِلَیْكُمْ؛ و پیمانی است که پیشاپیش به سوی شما فرستاده شده

وَ بَقِیَّةٍ اسْتَخْلَقَهَا عَلَیْكُمْ؛ و باقیمانده‌ای است که برای شما باقی گذارده

كِتَابُ اللَّهِ التَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ؛ و آن کتاب گویای الهی و قرآن راستگوست

وَ الثَّوْرُ السَّاطِعُ وَ الضَّیَاءُ اللَّامِعُ؛ و نور فروزان و شعاع درخشان است

بَیِّنَةٌ بَصَائِرُهُ؛ بیان و حجت‌های آن روشن است

مُتَكَشِّفَةٌ سَرَائِرُهُ؛ اسرار باطنی آن آشکار است

مُنْجَلِیَّةٌ ظَوَاهِرُهُ؛ ظواهر آن جلوه‌گر است

مُعْتَبِطَةٌ بِه اشِیَاعُهُ؛ پیروان آن مورد غبطه جهانیان‌اند

قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ إِتِبَاعُهُ؛ تَبَعِيَّتِ از او باعث خشنودی الهی است

مُؤَدِّ إِلَى التَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ؛ گوش دادن به آن راه نجات است

قرآن راهنمای شناخت واجب و حرام، گواه روشن و برهان کافی است

به ثنَالُ حُجَّجُ اللَّهِ الْمُتَوَرِّعَةِ وَ عَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةِ وَ مُحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةِ وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةِ وَ بُرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةِ وَ فُضَائِلُهُ الْمَدْدُوبَةِ وَ رُحَصُهُ الْمُؤَهَّوْبَةِ وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةِ؛ به وسیله آن می‌توان به حجت‌های نورانی الهی و واجباتی که تفسیر و محرمانی که از ارتکاب آن منع شده و نیز به گواهی‌های جلوه‌گرش و برهان‌های کافیش و فضائل پسندیده‌اش و رخصت‌های بخشیده شده‌اش و قوانین واجبش دست یافت.

سپس حضرت با اشاره به رحلت پیامبر اعظم (ص) به شکسته شدن سکوت گمراهان؛ ظاهر شدن علائم نفاق و نقش شیطانی که منزل به منزل به سراغ مردم می‌رفت تا آنها را فریب دهد اشاره فرموده و می‌افزاید: هَذَا، وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ الْكَلِمُ رَحِيبٌ، وَ الْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَ الرَّسُولُ لَمَّا يَقْبَرُ، إِبْتِدَارًا زَعَمْتُمْ حَوْفَ الْفِتْنَةِ، أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَ إِنْ جَهْتُمْ لِمُحِيطَةٍ بِالْكَافِرِينَ؛ این در حالی بود که زمانی نگذشته بود و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود و جراحت التیام نیافته و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید، و به راستی جهنم کافران را احاطه کرده است.

عمل به احکام و اوامر واضح و روشن قرآن جایی برای فتنه‌گری نمی‌گذارد

دخت مکرم نبی اسلام در این قسمت پس از اشاره به اینکه ترس از قتنه بعد از پیابر بهانه‌ای بیش برای کتمان حق اهل‌بیت (ع) نیست؛ به حضور قرآن در بین امت اشاره کرده و می‌افزاید: فَهَيِّهَاتَ مِنْكُمْ، وَ كَيْفَ بَكُمْ، وَ أَتَى تَوَفُّكُونَ، وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَاحِظَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ حَلَقْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرْعَبَهُ عَنْهُ تَرِيدُونَ؟ أَمْ بَعْضُهُ تَحْكُمُونَ؟ «بُسْ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (1)»، «وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (2)»؛ این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید در حالی که کتاب خدا رویاروی شماست، امورش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرمانش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را خواهانید؟ یا بغیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، «و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود».

همانطور که مشاهده می‌کنید صدیقه طاهره (س) در این بخش از خطبه خویش در ضمن دفاع از حق اهل‌بیت پیامبر (ص) به ویژگی‌هایی از کتاب خداوند همچون اُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَاحِظَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ؛ امورش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرمانش هویدا، و اوامرش واضح است، اشاره می‌کند و این وضوح و روشنی در احکام و اوامر قرآن کریم را فتنه شکن معرفی می‌کند.

مرحوم آیت‌الله مجتبی‌تهرانی درباره این آیه در خطبه فدکیه می‌گوید: استدلال حضرت این است که شما از احکام قرآن تخلف کردید و شرايطی که در قرآن برای رهبری و امامت الهی مطرح شده است نادیده گرفتید و احکام طاهره قرآن را کنار گذاشتید؛ پس شما قرآن را کنار زدید و هنگامی هم که قرآن کنار رفت دیگر اسلامی باقی نمی‌ماند. پس اگر علی علیه السلام را کنار گذاشتید یعنی حقیقت اسلام را کنار گذاشته‌اید؛ چون اسلام یعنی عمل به معیارها و شرايطی که در قرآن آمده، حال اگر کسی به حرف قرآن گوش نداد و آن را رها کرد اسلام را رها کرده است.

من مانند سلیمان (ع) و یحیی (ع) و هر انسان دیگری از پدرم ارث می‌برم

بزرگ بانوی دو عالم در ادامه برای استدلال درباره حق خویش در ارث بردن از پدر بزرگوارشان از آیات قرآن کریم بهره برده و می‌فرماید: «إِنَّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَغْلَبُ عَلَى إِرْثِي؟ يَأَيُّنَ أَبِي قَحَافَةَ! أَفِي كِتَابِ اللَّهِ تَرِثُ أَبَاكَ وَ لَا ارْثُ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا قَرِيبًا، أَفْعَلِي عَمْدًا تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ تَبَدَّلْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ «وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (3) وَ قَالَ فِيمَا اقْتَصَصَ مِنْ حَبَرِ زَكْرِيَّا إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»، (4) وَ قَالَ: «وَ أَوَلَوْ أَلَزَّحَامَ بَعْضُهُمْ أَوَّلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (5) وَ قَالَ «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ الْإُنْثَى» (6) وَ قَالَ «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (7).

وَ زَعَمْتُمْ أَنْ لَا حَظَّوَةَ لِي، وَ لَا ارْثُ مِنْ أَبِي، وَ لَا رَحِمَ بَيْنَنَا، افْخَصْتُمْ لَكُمْ اللَّهُ بَايَةَ إِحْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟ فَذَوْنُكُمَا مَخْطُومَةٌ

مَرْحُومَةً تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ؛ ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند، ای پسر ابی قحافه، آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و از ارث پدرم محروم باشم امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می‌اندازید، آیا قرآن نمی‌گوید «سلیمان از داود ارث برد»، و در مورد خبر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برد» و فرمود: «و خویشاوندان رحمی به یکدیگر سزاوارتر از دیگرانند»، و فرموده: «خداوند تعالی به شما درباره فرزندان سفارش می‌کند که بهره پسر دو برابر دختر است»، و می‌فرماید: «هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد بر شما نوشته شده که برای پدران و مادران و نزدیکان وصیت کنید و این حکم حق است برای پرهیزگاران».

و شما گمان می‌برید که مرا بهره‌ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم، آیا خداوند آیه‌ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می‌گوئید اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی‌دانید؟ و یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاه‌ترید؟ اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد».

تهدید به عذاب الهی

در ادامه نیز حضرت با استفاده از آیاتی از قرآن کریم به قیامت و عذاب آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: «فَتَعْلَمُ الْحُكْمَ اللَّهُ وَ الرَّعِيمُ مُحْصَدٌ وَ الْمُوعِدُ الْقِيَامَةَ وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ وَ لَا يَتَفَعَّلُكُمْ إِذْ تَتَذَمُّونَ»، «وَ لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ (۸)»، «وَ لَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ (۹)»، «وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ (۱۰)»؛ چه نیک دآوری است خداوند و نیکو دادخواهی است پیامبر و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند، و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند و برای هر خبری قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد و عذاب جاودانه که را شامل می‌شود».

حق‌کشی بعد از پیامبر، مخالف قرآن و عقب‌گرد بود

سپس حضرت با مخاطب قرار دادن نقبا و انصار آنها را به خاطر خاموش ماندن در احقاق حق دختر عزیز پیامبر پس از رحلت جانگداز رسول خدا (ص) مذمت کرده و دوباره با استناد به آیه‌ای از قرآن کریم می‌فرماید: فَتِلْكَ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَ الْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَامِثُهَا نَازِلَةٌ، وَ لَا بَاقِيَّةَ عَاجِلَةٍ اَعْلَنَ بِهَا، كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ تَنَازُؤُهُ فِي اَفْقِيَّتِكُمْ، وَ فِي مُمَسَاكِمٍ وَ مُصْحِحِكُمْ، يَهْتَفُ فِي اَفْقِيَّتِكُمْ هَتَافًا وَ صَرَاحًا وَ تَلَاوَةً وَ الْحَانَةَ، وَ لَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِاَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، حُكْمٌ فَضْلٌ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ. «وَ مَا مُحَمَّدٌ اِلاَّ رَسُوْلٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ اَفَاِنْ مَاتَ اَوْ قُتِلَ اِنْقَلَبْتُمْ عَلٰى اَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلٰى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ شَاكِرِيْنَ». (۱۱)؛ به خدا سوگند که این مصیبت بزرگ‌تر و بلیه عظیم‌تر است که همچون آن مصیبتی نبوده و بلای جانگدازی در این دنیا به پایه آن نمی‌رسد، کتاب خدا آن را آشکار کرده است، کتاب خدایی که در خانه‌هایتان، و در مجالس شبانه و روزانه‌تان، آرام و بلند و با تلاوت و آهنگین آن را می‌خوانید، این بلائی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی، خداوند می‌فرماید: «محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته شود به عقب برمی‌گردید، و آنکس که به عقب برگردد به خدا زبانی نمی‌رساند و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد».

علی را از خلافت دور کردن، پیامبر را از صحنه خارج کردن است

سپس زهرای اطهر در ضمن ادامه سخن خود به آیه ۱۳ سوره مبارکه توبه که مربوط به طرح یهود برای بیرون کردن پیامبر از مدینه است اشاره کرده و فرمودند: «اِيهَا بَنِي قَيْلَةَ! اَهْضَمُ ثَرَاتِ اَبِي وَ اَنْتُمْ يَمْرَأَى مِتَى وَ مَسْمَعٌ وَ مُتَنَدِي وَ مَجْمَعٌ، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَ تَسْمَلُكُمْ الْحَبْرَةُ وَ اَنْتُمْ ذُوُو الْعَدَدِ وَ الْعَدَّةِ وَ اللِّدَاةِ وَ الْقُوَّةِ وَ عِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَ الْجَنَّةُ، ثَوَافِيْكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُوْنَ وَ تَأْتِيْكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغَيِّثُوْنَ وَ اَنْتُمْ مَوْصُوفُوْنَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُوْنَ بِالْحَيْرِ وَ الصَّلَاحِ وَ الثَّخْبَةِ الَّتِي اِنْخَبَتِ وَ الْخَيْرَةُ الَّتِي اَحْتَبَرَتْ لَنَا اَهْلَ الْبَيْتِ».

قَاتِلْتُمُ الْعَرَبَ وَ تَحْمِلْتُمُ الْكَدَّ وَ التَّعَبَ وَ نَاطَحْتُمُ الْأَمَمَ وَ كَافَحْتُمُ الْبَهْمَ، لَا تَبْرَحَ اَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَنُتَأَمِرُونَ، حَتَّى اِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْاِسْلَامِ وَ دَرَّ حَلَبُ الْاَيَّامِ وَ خَضَعَتْ نُغْرَةُ الشَّرِكِ، وَ سَكَنْتْ فُورَةُ الْاَفْكِ وَ حَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ وَ هَدَّاتْ دَعْوَةُ الْهَرَجِ وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَاتَى حَرْثُكُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ، وَ اسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْاِعْلَانِ وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْاِقْدَامِ وَ اَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْاِيْمَانِ؟

بُؤْسًا لِقَوْمٍ «نَكْتُوْا اِيْمَانَهُمْ (۱۲)» مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ، «وَ هَمُّوْا بِاِحْرَاجِ الرُّسُوْلِ وَ هُمْ بِدَوْكُمُ اَوَّلَ مَرَّةٍ (۱۳)»، «اَتَحْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ اَحَقُّ اَنْ تَحْشَوْهُ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِيْنَ (۱۴)».

إلا، وَ قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ اخْلَدْتُمْ إِلَى الْحَقِّضِ وَ اُبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ وَ حَلَوْتُمْ بِالذَّعَةِ وَ تَجَوَّيْتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَّجْتُمْ مَا وَعَبْتُمْ وَ دَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ، ف...إِنْ تَكْفُرُوا ائْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (15)».

إلا، وَ قَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخِذْلَةِ الَّتِي خَامَرْتُكُمْ، وَ الْعَذْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتُهَا قُلُوبُكُمْ، وَ لَكَيْتَها فَيْضَةُ النَّفْسِ، وَ نَقْتَةُ الْعَيْظِ، وَ حَوْرُ الْقَنَاءِ، وَ بَنَّةُ الصَّدْرِ، وَ تَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ، فُدُونَكُمُوهَا فَاحْتَقِيُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ، تَقِيَةَ الْحَقِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةَ بَعْصَبِ الْجَبَّارِ وَ شَنَارَ اللَّابِدِ، مَوْصُولَةَ بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْفَقْدَةِ.

فَيَعِينُ اللَّهُ مَا تَقْعَلُونَ، «وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (16)»، وَ اَنَا إِنِّي نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، ف«اعْمَلُوا ... إِيَّا عَامِلُونَ (17)»، «وَ اَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ (18)»؛ ای پسران قیله، گروه انصار، آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید و دارای نفرت و ذخیره‌اید و دارای ابزار و قوه‌اید، نزد شما اسلحه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما می‌رسد ولی جواب نمی‌دهید و ناله فریاد خواهیم را شنیده ولی به فریادم نمی‌رسید، در حالی که به شجاعت معروف و به خیر و صلاح موصوفید و شما برگزیدگانی بودید که انتخاب شده و منتخباتی که برای ما اهل بیت برگزیده شدید!

با عرب پیکار کرده و متحمل رنج و شدت‌ها شدید و با امت‌ها رزم کرده و با پهلوانان به نبرد برخاستید، همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار، تا آسیای اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره‌های شرک‌آمیز خاموش شده و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد و آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرج آرام گرفت و نظام دین کاملاً ردیف شد، پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان حیران شده و پس از آشکاری خود را مخفی کردید و بعد از پیشقدمی عقب نشستید و بعد ایمان شرک آوردید؟

وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شکستند، و خواستند پیامبر را اخراج کنند، با آنکه آنان جنگ را آغاز کردند، آیا از آنان هراس دارد در حالی که خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید.

آگاه باشید می‌بینم که به تن آسایی جاودانه دل داده و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساخته‌اید، با راحت‌طلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراخانی آن رسیده‌اید، در اثر آن آنچه را حفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریختید، و آنچه را فروبرده بودید بازگردانیدید، پس بدانید اگر شما و هرکه در زمین است کافر شوید، خدای بزرگ از همگان بی‌نیاز و ستوده است.

آگاه باشید آنچه گفتم با شناخت کامل بود، به سستی پدید آمده در اخلاق شما، و بی‌وفائی و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما، و لیکن اینها جوشش دل اندوهگین، و بیرون ریختن خشم و غضب است، و آنچه قابل تحمل نیست، و جوشش سینه‌ام و بیان دلیل و برهان، پس خلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاول‌دار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلب‌ها احاطه می‌یابد متصل است.

آنچه می‌کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنانکه ستم کردند به زودی می‌دانند که به کدام بازگشتگاهی بازخواهند گشت، و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد، پس هرچه خواهید بکنید و ما هم کار خود را می‌کنیم، و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار به سر می‌بریم.»

سخنی که مخالف قرآن باشد مردود است ولو منسوب به پیامبر/ سخنانی آغشته به هوای نفس

پس از این فرمایشات پاره تن پیامبر اسلام، سخنانی توسط خلیفه اول مطرح شد که در ضمن آن نقل قولی از پیامبر اکرم کرده و می‌گوید: از پیامبر شنیدم که فرمود: «ما گروه پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی‌گذاریم و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارث می‌نهییم، و آنچه از ما باقی می‌ماند در اختیار ولی امر بعد از ماست، که هر حکمی که بخواهد در آن کند.»

حضرت زهرا (س) در رد این سخن دوباره به قرآن کریم استناد کرده و با اشاره دوباره به آیات پیشین و آیه 18 سوره مبارکه یوسف (ع) که درباره هوای نفس برادران او در آوردن حجت دروغین برای یعقوب (ع) در خورده شدن یوسف (ع) توسط گرگ سخن گفته است، می‌فرماید: «سُبْحَانَ اللَّهِ، مَا كَانَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا، وَ لَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالِفًا، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ اثَرَهُ، وَ يَقْفُو سُورَهُ، اِفْتَجَمْعُونَ إِلَى الْعَذْرِ إِعْلَالًا عَلَيْهِ بِالرُّورِ وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهٌ بِمَا بُغِيَ لَهُ مِنَ الْعَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حُكْمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَصْلًا، يَقُولُ: «يَرْتَبِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»، وَ يَقُولُ: «وَ وَرَثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ»؛ بَيْنَ عَزٍّ وَ جَلٍّ فِيمَا وَزَعَ مِنَ الْأَقْسَاطِ وَ شَرَعَ مِنَ الْقَرَائِصِ وَالْمِيرَاثِ وَ أَبَاحَ مِنْ حَظِّ الذَّكَرَانِ وَ الْإِنَاثِ، مَا أَزَاحَ بِهِ عِلَّةَ الْمُبْطِلِينَ وَ أزالَ التَّظَنِّيَّ وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَابِرِينَ، كَلَّا «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا، فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (19)»؛ پاک و منزّه است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب خدا رویگردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می‌کرد، آیا می‌خواهید علاوه بر

نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دام‌هائی که در زمان حیاتش برایش گسترده شد، این کتاب خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی می‌اندازد، و می‌فرماید: زکریا گفت: خدایا فرزندی به من بده که «از من و خاندان یعقوب ارث ببرد»، و می‌فرماید: «سلیمان از داود ارث برد»؛ و خداوند در سهمیه‌هائی که مقرر کرد و مقادیری که در ارث تعیین فرمود و بهره‌هائی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی داده که بهانه‌های اهل باطل و گمان‌ها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است، «بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده و جز صبر زیبا چاره‌ای ندارم و خداوند در آنچه می‌کنید یاور ماست».

دل‌هایی که به واسطه گناه بر آنها مهر زده شده قرآن را نمی‌فهمند

سپس بعد از اینکه خلیفه اول حکومت خود را نتیجه تصمیم مردم معرفی می‌کند؛ زهرای مرضیه (س) خطاب به مردم می‌فرماید: «مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةِ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ، الْمُعْصِيَةِ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا اسَاءْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَاحْذَرُوا بَصَارَكُمْ وَابْصَارَكُمْ، وَ لَيْتُمْ مَا تَأْوَلْتُمْ، وَ سَاءَ مَا بِهِ اشْرَأْتُمْ، وَ شَرَّ مَا مِثْلُهُ إِنْ عِنْتُمْ، لِتَجِدَنَّ وَ اللَّهَ مَحْمِلُهُ ثَقِيلًا، وَ غِيَّهُ وَ بِيَلًا، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغَطَاءُ، وَ بَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ، وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَيْبِكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَ حَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ؛ اَيِ مُسْلِمَانِ! که برای شنیدن حرف‌های بیهوده شتابان بوده و کردار زشت را نادیده می‌گیرید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بر دل‌ها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتتان بر دل‌هایتان تیرگی آورده و گوش‌ها و چشمانتان را فراگرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده و بد راهی را به او نشان داده و با بد چیزی معاوضه کردید، به خدا سوگند تحمل این بار برایتان سنگین و عاقبتش پر از وزر و وبال است؛ آنگاه که پرده‌ها کنار رود و زیان‌های آن روشن شود و آنچه را که حساب نمی‌کردید برای شما آشکار شود، آنجاست که اهل باطل زیانکارند».

همانگونه که دیدید و پیش از این نیز گفته شد؛ حضرت در جای جای خطبه خود و در پاسخ به شبهاتی که در خصوص حق زائل شده از اهل بیت رسول خدا علیهم‌السلام مطرح شده است با استفاده از آیات قرآن کریم به استدلال پرداخته‌اند و پیش از آن با توصیفات که در ابتدای این گزارش ذکر شد ابتدا جایگاه قرآن کریم را در اسلام و در میان امت اسلامی روشن کرده‌اند.

.....

1- سوره مبارکه کهف، 50

2- آل عمران، 85

3- نمل، 16

4- مریم 5 و 6

5- انفال، 75

6- نساء، 11

7- بقره، 180

8- انعام، 67

9- هود، 39 و 40

10- هود، 40

11- آل عمران 144

12، 13 و 14 توبه، 13

15- ابراهیم، 8

16- شعرا، 227

17- هود، 121

18- هود، 122

19- يوسف،